

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۱۱ دسمبر ۲۰۲۱

پنجاهمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

پنجاهمین جلسه دادگاه دفاعیات حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در ایران، روز جمعه ۱۹ آذر ۱۴۰۰ برابر با ۱۰ دسمبر ۲۰۲۱، در دادگاه جرائم جنگی ستکهلم-سوئد برگزار شد.

محمد زادشیر شاهد در ۲۴ سالگی دو بار در ارتباط با فعالیت‌های دانشگاهی در زمستان ۱۳۶۰ دستگیر و بازجویی شد. نیری بار دوم کلمه «منافق» را به پرونده او اضافه کرد و به چهار سال زندان محکوم شد.

شاهد در سال ۶۵ از زندان قزل‌حصار به زندان گوهردشت منتقل شد. او بارها و در شرایط گوناگون با حمید نوری، بدون چشم‌بند در زندان گوهردشت برخورد داشت. اما زادشیر شهادت داد که هرگز حمید نوری را در زندان اوین ندید. محسن زادشیر گفت که ناصریان بازجویی بود و او هنوز هم هر روز صبح با نگاه به علامت‌های صورتش (به خاطر شکنجه) به یاد ناصریان می‌افتد. شاهد از ضربه‌های وارد آمده به بیضه‌هایش در جریان دو سال بازجویی و شکنجه سخن گفت. او به خاطر این مشکل در زندان جراحی شد و بعداً برای اخذ مجوز معاینه توسط اورولوژیست در خارج از زندان، بدون چشم‌بند در برابر حمید نوری قرار گرفت. نوری به طور ضمنی به او گفت مراجعه به دکتر متخصص مشروط به همکاری اطلاعاتی است.

زادشیر در بخش دیگری شهادت داد که موضوع ورزش جمعی مربوط به تابستان ۶۶ است. ورزش جمعی در زندان ممنوع بود و او که مسئول ورزش بود بیش‌تر از هر شخص دیگری برای تنبیه به اتاق گاز رفت.

محسن زادشیر توضیح داد از داخل حسینیه در هفتم یا هشتم مرداد ۶۷ شاهد رفت و آمد پاسداران و مقامات زندان به سوله (ساختمان نانوائی) زندان بود. او کامیون‌های یخچال‌دار حمل گوشت با فلاشرهای روشن را دید که بعداً در داخل آن‌ها جسد‌های انباشته بر روی هم را تشخیص داد.

در ادامه دادگاه حمید نوری در ستکهلم سوئد، محمد زادشیر به‌عنوان شاهد گفت که حمید نوری را در کنار داود لشکری با فرغونی از طناب دار دیده است.

زادشیر که از سال ۱۳۶۰ به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق در زندان‌های اوین، قزل‌حصار و گوهردشت زندانی بوده در دادگاه رسیدگی به اتهامات حمید نوری گفت که کامیون‌های پر از جنازه اعدام‌شدگان را که از زندان خارج می‌کردند دیده است.

محمد زادشیر به گفته خود در سال ۱۳۶۰ بازداشت و به اتهام هواداری از مجاهدین خلق به ۴ سال زندان محکوم شده است: «بازجوها به خاطر فعالیت‌های دانشگاهی، مرا بازجویی کردند و ارتباط با تمامی گروه‌ها، مجاهدین و غیرمجاهدین را به من نسبت دادند. (حسینعلی) نیری، قاضی دادگاه روی پروندهام نوشت منافق.»

او مدعی شد که در زندان گوهردشت، ناصرین (محمد مقیسه) رئیس زندان بود. لشکری (داود)، مسئول امنیتی و مسئول داخلی زندان بود و حمید عباسی (نوری) نقش دادیار را داشت.

محمد زادشیر گفت که ناصرین (محمد مقیسه) بازجوی او بوده: «ناصرین را می‌شناختم، بازجوی خودم بودم، هنوز هم وقتی هر روز صبح در آینه نگاه می‌کنم ناصرین را به یاد می‌آورم چون علامت‌های روی صورتم هست.»

زادشیر درباره حمید نوری هم گفت که به دلیل ضرباتی که در بازجویی‌ها بر بیضه‌هایش وارد شده بود نیاز به درمان داشت و دو بار در همین زمینه او را به دادیاری برده‌اند و حمید عباسی (نوری) را بدون چشم‌بند دیده است.

وی توضیح داد که حمید نوری خود را به او حمید عباسی معرفی کرده و بار اول از او خواسته که در زندان همکاری اطلاعاتی کند و بار دوم به او گفته که باید لباس زندان بپوشد.

محسن زادشیر اما در دادگاه محاکمه او گفت که در زندان اوین هم زندانی بوده و حمید نوری را هیچ‌وقت در زندان اوین ندیده است.

محمد زادشیر گفت که هشتم یا هفتم مرداد از داخل سالن آخر بند حسینی، ساختمان‌های سوله و خیابان‌ها را می‌دید و پاسدارانی که به سرعت به سمت سوله می‌رفتند. سوله‌هایی که از زندانیان افغان شنیده بود ساختمان نانوایی است: «هیچ کس بیرون نمی‌آمد، هوا تاریک بود تا یک ماشین خاور بیرون آمد، ماشین حمل گوشت که یخچال‌دار است، پشت سر، پاسدارها با یک فاصله‌ای آمدند می‌خندند، یکی به بقیه شیرینی تعارف می‌کرد و حال یکی به هم خورد شروع کرد به بالا آوردن.»

وی گفت که در همان شب داود لشکری را دیده که با یک فرغون پر از طناب دار همراه با حمید عباسی (نوری) در حال رفتن است.

داستان سؤال کرد از کجا می‌دانی و مطمئنی که حمید عباسی (نوری) است؟ او توضیح داد: «قبلا دو بار بدون چشم‌بند با هم صحبت کرده بودیم و چهره حمید عباسی مشخص است برای من حداقل مثل بقیه پاسدارها نبود. دو بار در دادیاری مستقیم و بدون چشم‌بند او را دیده بودم و می‌شناختم.»

محمد زادشیر در توصیف ظاهر حمید نوری گفت: «پیشانی بلند، رنگ پوست روشن و موهای صاف داشت. دو دندان بالایش کمی جلو آمده بود و برای من جالب بود. قدش هم از من بلندتر بود من ۱۷۴ هستم. دو بار که مرا به دفترش بردند لباس فرم داشت. عمدتاً تمام زندانیان نه گوهردشت نه اوین و نه قزل‌حصار شلوار سبز تیره نمی‌پوشیدند. به خاطر این‌که این رنگ شلوار رنگ لباس رسمی پاسداران بود. وقتی می‌گوئیم لباس فرم در وهله اول همین شلوار است چون ما با چشم‌بند می‌بینیم. بعضی مثل داود لشکری عمدتاً بلوزش را هم می‌پوشیدند. سبز تیره دو جیب داشت. چیزی که توجه مرا آن دو بار جلب کرد اورکت حمید عباسی (نوری) بود که به پشت صندلی‌اش آویزان بود. سبز تیره. در ایران می‌گویند اورکت آمریکائی.»

زادشیر گفت که حمید نوری تفاوت دیگری هم با دیگران داشت: «برخلاف بقیه که بوی عرق می‌دادند عباسی (نوری) همیشه بوی صابون نخل زیتون می‌داد. از زیر چشم‌بند فقط پاهایش را می‌بینم ولی به جز گوش‌هایم، دماغ بزرگ است و از بو هم می‌توانم تشخیص دهم.»

محمد زادشیر سپس با نشان دادن محل‌ها بر روی ماکت زندان گوهردشت، از کامیون‌هائی گفت که شب‌های بعد دیده و به گفته او بعضی شب‌ها دو کامیون در رفت و آمد بودند: «یک شب هوا تاریک بود اما اینجا روشن بود. کامیون اول رد می‌شود کامیون دوم تا اینجا می‌رود به یک دلیلی دنده عقب می‌آید به این طرف می‌خواهد دور بزند کاملاً عقب می‌آید. من از این بالا می‌بینم کامیون پر از جسد است. می‌توانم تشخیص بدهم پر از آدم است و سر و ته همه را هم بسته‌اند. ساعت ۲ صبح است. مثل الان پایم شروع می‌کند به لرزیدن.»

دادستان از او درباره کامیون‌ها سؤال می‌کند و او می‌گوید: «در ایران می‌گویند کامیون خاور. حدود ده تن است. سرش باز است. چهار طرفش به ارتفاع دو متر تا دو متر و چهل بالاتر است. با پل بسته شده. دو در عقبش می‌تواند کامل باز شود. من راننده را نمی‌بینم آیا تنها است آیا با کسی است من فقط عقب ماشین را می‌بینم و از بالا.»

دادستان سؤال کرد که گفتی می‌توانستی بفهمی اجساد است از روی چی می‌توانستی بفهمی چون گفتی بسته‌بندی شده بودند؟

محمد زادشیر پاسخ داد: «کامیون چند لحظه مکث کرد که برگردد. درست است که توی پلاستیک یا برزنت مشکی بود اما پر از جنازه بود و تا بالا آمده بود. فاصله من کمتر بود. حالت برجستگی سر و بدن و پاها مشخص بود. ما در ایران آدم‌هائی که کفن می‌کنند را زیاد می‌بینیم. پس با شکل بدن که توی کفن گذاشته می‌شود از بچگی آشنا هستیم. و دوباره قسم می‌خورم که جسد بودند.»

از شاهد در مورد اعدام شدگان مسئول شد. محسن زادشیر در پاسخ به رئیس دادگاه گفت متعلقات زندانی اعدام شده مانند وسایل شخصی، یادگاری‌ها، کتاب‌ها و عکس‌های فرزندان و ... بعداً توسط هم سلولی‌هایش در ساک گذاشته می‌شد. یکی دیگر از موارد شهادت زادشیر موضوع یونیفورم و لباس ظاهری متهم و مقایسه آن با لباس‌های پاسدارهای سپاه مستقر در زندان بود.

او در مورد پاسدارهای سپاه در زندان اوین گفت که بخش ۲۰۹ زندان تحت کنترل آن‌ها بود و مستقل عمل می‌کردند. به گفته او، در حقیقت هسته اولیه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بودند. شاهد به دادگاه اطمینان داد که مجید قدوسی از سال ۶۰ معاون لاجوردی و در زمان بازگشت او به زندان اوین، دادیار آن زندان بود.

محسن زادشیر سه سال بعد از اعدام‌ها در سال ۱۳۷۰ از زندان اوین آزاد شد

هم‌زمان با ادامه دادگاه حمید نوری در ستک‌هلم، دادگاه تجدیدنظر بلجیم نیز در شهر آنتورپ با از سرگیری جلسات رسیدگی به پرونده سه متهم هسته تروریستی اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی متهم به طرح‌ریزی عملیات تروریستی علیه تجمع مخالفان ایرانی در اروپا، برگزار شد.

کارشناسان مواد منفجره در جلسه استیناف گفته‌اند که اسدی بمب بسیار قوی و کشنده‌ای را در کیف خود برای منفجر کردن مقر همایش سالانه مخالفان جمهوری اسلامی ایران حمل می‌کرده است

در این جلسه استیناف که پنج‌شنبه ۹ دسامبر برگزار شد تأثیر احتمالی بمبی که قرار بود در کنفرانس سالانه شورای ملی مقاومت در پاریس کار گذاشته شود، مورد بررسی قرار گرفت.

همچنین سه متهم به نام‌های امیر سعدونی (۴۱ ساله)، همسرش نسیمه نعمی (۳۶ ساله) و مهرداد عرفانی (۵۸ ساله) در این جلسه دادگاه، دفاعیات خود را ارائه دادند.

پیش‌تر، وکیل مدافع نسیمه نعیمی گفته بود که موکلش از ماهیت مواد منفجره اطلاعی نداشته و گمان می‌کرد ابزاری برای آتش‌بازی است. او همچنین قدرت تخریب مواد منفجره را «ناچیز» تلقی کرد و گفت به این دلیل که وقتی به وسیله ربات‌ها منفجر شدند، گودالی در جاده‌ها ایجاد نکردند.

این در حالی است که کارشناسان مواد منفجره در این جلسه استیناف گفته‌اند که او بمب بسیار قوی و کشنده‌ای را در کیف خود برای منفجر کردن مقر همایش سالانه شورای مقاومت ملی ایران حمل کرده است.

احتمال می‌رود با توجه به عدم درخواست تجدیدنظر توسط اسدالله اسدی، نتیجه این دادگاه، تا یک ماه آینده اعلام شود. دادگاه کیفری بلژیک پیش‌تر، بر اساس اتهام‌های «برنامه‌ریزی برای قتل عمد»، «تدارک برای طرح تروریستی و عضویت در یک سازمان تروریستی زیر نظر وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران»، امیر سعدونی را به ۱۵ سال، همسرش نسیمه نعیمی را به ۱۸ سال حبس و سومین متهم مهرداد عارفانی را نیز به ۱۷ سال حبس محکوم کرد؛ دادگاه کیفری همچنین برای لغو تابعیت این افراد رای صادر کرده بود.

در این دادگاه، اسدالله اسدی به‌دلیل امتناع از درخواست تجدیدنظر درباره حکم صادره علیه خود در پرونده طراحی عملیات تروریستی که کنفرانس «سازمان مجاهدین خلق» در شهر ویلپنت فرانسه را هدف گرفته بود، به ۲۰ سال زندان محکوم شد.

این اولین بار است که پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، یک مقام رسمی جمهوری اسلامی به اتهام دست داشتن در عملیات تروریستی در اروپا محکوم می‌شود.

با توجه به عدم تجدیدنظرخواهی او، به نظر می‌رسد به زودی حکم محکومیت اسدالله اسدی به مرحله اجرا درآید. با وجود شواهد قطعی، و اتهامات سنگین علیه این دیپلمات جمهوری اسلامی ایران، پس از صدور احکام زندان برای اسدالله اسدی، سفارت جمهوری اسلامی ایران در بروکسل با صدور بیانیه‌ای تاکید کرد که مصونیت دیپلماتیک اسدالله اسدی نقض شده و این دادگاه «صلاحیت رسیدگی به اتهامات او را ندارد».

اسدی، دیپلمات ایرانی شاغل در اتریش، ژوئن ۲۰۱۸ در حومه پاریس، بازداشت شد. در دادگاه کیفری بلژیک اثبات شد که او، ماده‌ای انفجاری به وزن نیم کیلوگرم به نسیمه نعیمی و امیر سعدونی اعضای هسته تروریستی خود که ساکن در بلژیک هستند، تحویل داده تا آن‌ها به کمک یک شخص دیگر، همایش سازمان مجاهدین خلق را هدف حمله قرار دهند.

همچنین روز پنجشنبه ۱۸ آذر در آستانه روز جهانی حقوق بشر، حکومت آدم‌کش اسلامی ایران، ۶ زندانی از جمله سه زن را در زندان کرمان اعدام کرد. طی همین هفته حداقل سه زندانی دیگر در زنجان، اصفهان و نیشابور حلق‌آویز شدند. به این ترتیب از زمان انتصاب رئیسی آیت‌الله قاتل به ریاست‌جمهوری و انتصاب محسنی اژه‌ای به ریاست قوه قضائیه، دست‌کم ۱۸۷ زندانی اعدام شده‌اند.

جلسه بعدی دادگاه روز دوشنبه بیست و دوم آذر با شهادت رحمت‌علی کرمی در سته‌کلم سویدن برگزار خواهد شد.